

هفت سین

منبع :

A. Shapur Shahbazi , "Haft Sin", in *Encyclopaedia Iranica*, vol. XI/5, 2003

هفت سین به معنای هفت قلم شیئی که نام آنها با حرف «س» (سین) آغاز می‌شود، یکی از اجزای اصلی آیین‌های سال نو است که پیشینه‌ی ایرانیان آن را برگزار می‌کنند. این اقلام سنتاً در سفره‌ی هفت سین چیده و به نمایش گذاشته می‌شوند. این سفره‌ای است که هر خانواده‌ای بر روی زمین (یا بر روی میز) در اتاقی که معمولاً به میهمانان گرامی اختصاص داده شده می‌گسترده و این اقلام بر روی آن قرار داده می‌شود؛ در بالای سفره) در دورترین فاصله از در) آینه‌ای گذاشته می‌شود، که در دو طرف آن شمع‌دان‌هایی دارای شمع نهاده شده (سنتاً مطابق با شمار فرزندان خانواده)، در پایین آن نسخه‌ای از قرآن (از شاهنامه یا دیوان حافظ نیز استفاده می‌شود)، تُنگی که معمولاً حاوی یک ماهی طلایی (بسیاری از خانواده‌ها یک کوزه آب باران را که قبلاً جمع آوری شده و/ یا کاسه آبی که حاوی برگ سبز انار، نارنج، یا شمشاد است نیز می‌افزایند)، ظرف‌های حاوی شیر، گلاب، عسل، شکر، و (۱، ۳، ۵ یا ۷ عدد) تخم مرغ رنگ‌آمیزی شده گذاشته می‌شود. مرکز سفره عموماً با گل‌دانی از انواع گل‌ها، معمولاً سنبل و شاخه‌های بیدمشک فروگرفته می‌شود. کنار آن، سبزه و دست‌کم شش قلم دیگر که با حرف سین آغاز می‌شوند) تشریح شده در زیر)، ظرفی حاوی میوه (سنتاً سیب، پرتقال، انار، و به)، چند نوع نان (اغلب شیرین)، ماست و پنیر تازه، شیرینی‌های گوناگون، آجیل (مخلوط خشک و بو داده شده‌ی تخم‌های نخودچی، خربزه، گندم برشته، برنجک، و فندق و گردو، که همگی با کشمش آمیخته شده‌اند) قرار داده می‌شود .

اقلام سین‌دار سنتاً عبارت‌اند از: ۱. سبزه، یعنی، گندمی (یا جو، گاهی نیز عدس) که به بلندی چند اینچ درون قطعه پارچه‌ی سفید نازک پیچانده شده به گرداگرد کوزه‌ای گلی روییده است (امروزه سبزه در یک ظرف سفالین کم‌گود رویانده می‌شود)؛ ۲. سپند (اسفند)، تخم سداب کوهی که اغلب در یک بخورسوز گذاشته می‌شود و درست پس از آغاز سال سوزانده می‌شود؛ ۳. سیب، پیش‌تر یاد شد؛ ۴. سکه، چند عدد سکه‌ی نو؛ ۵. سیر (سابقاً همراه با ریشه‌هایی که برای شباهت دادن به شرابه‌های رنگین، قرمز رنگ می‌شدند)؛ ۶. سرکه؛ ۷. یک کاسه سمنو (شیرازی‌ها و کردها سمنی می‌گویند). این فقره‌ی آخر بدین شیوه تهیه می‌شود: مقدار مناسبی گندم برای سه روز در آب (ترجیحاً آب بارانی که برای این منظور فراهم شده) خیسانده می‌شود و سپس بر روی یک سینی فلزی پهن گردیده و با پارچه‌ای سفید پوشانده می‌شود. هنگامی که گندم اندکی روید، بر روی تخته‌ای سنگی یا چوبی خرد و بعد درون هاون کوبیده می‌شود و شیرابه‌ی آن با آب داغ، روغن و آرد مخلوط گردیده و همه‌ی آن به وسیله‌ی زنان (هیچ مرد بالغی مجاز با مشارکت در این فرایند نیست) به آهستگی پخته می‌شود) اغلب یک شب کامل صرف آن می‌گردد)؛ نتیجه‌ی کار یک خمیر غلیظ، شیرین و به رنگی مایل به قرمز است، که بخشی از آن برای سفره‌ی نوروز کنار گذاشته می‌شود و باقی آمده‌ی آن در میان همسایگان پخش می‌شود، که آنان نیز ظرف حاوی سمنو را همراه با یک یا چند عدد تخم مرغ رنگ شده یا برگ‌ی سبز باز می‌گردانند .

ذکر چند ملاحظه در این جا لازم است. نخست، برخلاف نام خود، سفره‌ی هفت سین دربردارنده‌ی اجزای اصلی بسیاری است که با حرف سین آغاز نمی‌شوند. دوم، اقلام گزیده شده‌ی سین‌دار همیشه شماری بیش از هفت دارند و کمابیش همواره سنجد و سماق و سوهان (شیرینی) هم افزوده می‌شود. بسیاری از خانواده‌های حتا اقلام سین‌دار بیش‌تری نیز اضافه می‌کنند، مانند سبزی، سیاه‌دانه، سنگک، سپستان، و سرمه. سوم، سفره‌ی هفت سین

مختص جشن نوروز نیست. در بسیاری جاها مرسوم است که سفره‌ی مشابهی در آیین‌های عروسی چیده شود و در برخی نواحی نیز در شب چله چنین سفره‌ای مهیا می‌گردد؛ در منطقه‌ی کاشان این سفره در جشن اسبندی در ۲۵ بهمن، که برابر با اول اسفند در تقویم رسمی است، چیده می‌شود. چهارم، برخی از مردمان سهیم در میراث فرهنگی و سنت‌های ایرانی (مانند افغان‌ها، تاجیک‌ها، ارمنیان (این اقلام را آماده نمی‌کنند. حتماً جالب توجه‌تر این حقیقت است که چیدن آن‌ها در میان کردها یا زرتشتیان، که هر دو حافظان پرحرارت آن دسته از سنت‌های ایرانی‌اند که چیزهای هفت‌گانه نقشی مرکزی را در آن‌ها ایفا می‌کند، مرسوم نیست. با وجود این، موبد نیک‌نام یادآوری می‌کند که «امروزه در بسیاری از خانواده‌های زرتشتی، به ویژه آنان که در شهرها زندگی می‌کنند، هفت سین برای سفره نوروز تهیه می‌شود». این موضوع به آشکارا رویکرد جدیدی است که از تماس فزاینده‌ی زرتشتیان با دیگر ایرانیان متأثر گردیده است. جالب آن که کردها برای جشن «کوسه گلدی» کیک سمی می‌پزند. پنجم، هرچند می‌دانیم که ساسانیان با رویاندن هفت نوع تخم بر روی هفت ستون به پیشواز نوروز می‌رفتند و بر سر سفره‌ی نوروز خود سینی‌هایی حاوی هفت شاخه گیاه (گندم، جو، نخود، برنج، و غیره)، و نیز یک گرده نان درست شده از هفت گونه غله می‌گذاشتند، اما به سبب ناهماهنگی‌های یاد شده در زیر شماره‌های یک و دو، نمی‌توان آن‌ها را با هفت سین مقایسه نمود و متشابه دانست .

پیشینه و تاریخچه‌ی سنت چیدن سفره‌ی هفت سین مبهم و نامعلوم است. برخی چنین اندیشیده‌اند که اقلام اصلی با «ش» (سین) آغاز می‌شده‌اند، و بدین جهت به بیتی آشکارا متعلق به تاریخی جدید استشهاد کرده‌اند که ادعا می‌کند «در زمان ساسانیان ایرانیان بر سر سفره‌ی نوروز شهد و شیر و شراب و شکر ناب؛ شمع و شمشاد و شایه قرار می‌داده‌اند». ساختگی بودن این تعبیر، که به نام‌هایی عربی استشهاد می‌کند و از اجزایی اصلی و ضروری مانند سیر، سمونو و سپند چشم‌پوشی می‌کند، بدیهی است. دیدگاه‌های مبنی بر این را که اصطلاح هفت سین تحریف هفت سینی یا هفت میم (اقلام آغاز شونده با حرف میم، مانند ماست، میوه، میگو، مویز و غیره)، یا هفت چین (= هفت [چیز] چیده شده) است، جداً نمی‌توان پذیرفت. واقعیت آن است که همه‌ی نشانه‌ها و اشاره‌ها دلالت بر آن دارند که [چیدن] هفت سین، چنان که آن را می‌شناسیم، رسمی کهن نیست. قدیمی‌ترین اشاره‌ی موجود به رسم چیدن هفت سین، ارجاعی غیرقابل اطمینان و منفرد بدان در یک دست‌نوشته‌ی کهن فارسی منسوب به دوران صفوی است. و گرنه، سیاحان و مورخان سده‌ی ۱۹ در گزارش‌های عینی خود از آیین‌های نوروز، به ندرت از این رسم یاد کرده‌اند. تنها Heinrich Brugsch، که در ۱۸۶۰ در تهران بود و جشن نوروز را با برخی جزئیات آن شرح داده است، ادعا می‌کند که ایرانیان با کاشتن گل‌هایی با نام‌های آغاز شونده با حرف «س» در باغ‌هایشان به پیشواز جشن ملی‌شان می‌روند. اشاراتی نیز وجود دارد به یک سینی پر شده با هفت نوع میوه، اما نه به هفت سین، که بدین ترتیب به نظر می‌رسد در سده‌ی اخیر به سبب تبلیغ و معرفی آن در رسانه‌ها، مرسوم و متداول شده است .

در هر حال، اگر سفره‌ی نوروز را به صورت یک کل در نظر بگیریم و به حرف سین توجهی نکنیم، اقلام اصلی آن به خوبی این تعبیر را آن‌ها بازتاب‌های اوضاع دوران شبانی و یک‌جانشینی ایرانیان باستان و باورهای آنان، به ویژه در مورد امشاسپندان هستند، به دست می‌دهند :

تدارک این سفره در شب نوروز و گستردگی این باور که روان مردگان فرود می‌آیند و شریک سفره می‌شوند، به آشکارا آن را با جشن روان‌ها (فروردینگان) مرتبط می‌سازد. تخم مرغ‌ها، مردم (از "Martiya* tauxman تخم میرا"؛ در شهرک خور تخم مرغ‌ها در زیر نیمکت آماده شده برای عروس، به امید بچه‌دار شدن او، گذاشته می‌شود) را نمادپردازی

می‌کند و به آفریدگار اشاره دارد؛ شیر، گاو و وهومنه/ بهمن را نمایندگی می‌کند؛ شمع‌ها، آتش پاک و اشته و هیشته / اردی‌بهشت را؛ سکه‌ها، ثروت و خشثره‌ویریه/ شهرپور را؛ سنبل هم هئوروتات/ خرداد و هم امرتات/ (ا)مرداد را نمادپردازی می‌کند، چنان که آب و سبزه و سبزی نیز چنین می‌کنند. بیدمشک، آرمیتی/ سپندارم را نمایندگی می‌کند، چنان که سپند/ اسفند نیز، که بخشی از نام آن را نگاه داشته، چنین می‌کند. به طور جالب‌تری، ممکن است به نیروی درمان‌بخش آرمیتی به واسطه‌ی سیر اشاره شده باشد، که چنان نزد ایرانیان به عنوان یک دارو و وسیله‌ی دور کردن چشم بد و نیروهای اهریمنی ارزشمند بود که پارس‌ها یکی از ماه‌های‌شان را *Thaigarchi* (= *Thaigarchi* ماه سیر) نامیده بودند. اناهید با آب (باران) فراهم شده به ویژه برای این مناسبت نمایندگی می‌شود. سمنو، که برای سفره کاملاً ضروری است و چنان مقوی نیرومند قوای جنسی دانسته می‌شود که برخی آن را «نیروی رییس خانواده» می‌خوانند، می‌بایست به اناهید منسوب باشد، چرا که سمنو را فقط زنان تهیه می‌کنند (حتا در میان کردها، که هفت سین نمی‌چینند)، و در هنگام به هم زدن مخلوط در حال پخت آرزو می‌کنند که شوهرانی خوب و فرزندانیک بیابند. به علاوه، ظرف سمنو با پیش‌کش شدن به نام ورجاوند «فاطمه‌ی زهرای معصوم» آماده می‌شود (زهره = زهره نیز نام سیاره‌ی ونوس/ اناهید است). ماهی کره *Kara*، که در دریای اسطوره‌ای *Vourukasha* زندگی می‌کند و موجودات زیان‌بار را دفع می‌کند، با ماهی درون تُنگ نمایندگی می‌شود. این تجزیه و تحلیل را، که بیش‌تر از این نیز می‌توان ادامه داد، نشان می‌دهد که اشیاء اصلی سفره‌ی نوروز بسیار باستانی و پرمعنا هستند، حال آن که انگاره‌ی (*idea*) هفت سین، جدید و نتیجه‌ی تفنن عامیانه‌ای است که بر مبنای ذوق و سلیقه درون یک آیین پسندیده بسط و گسترش یافته است.